



بسمه تعالی

پیش دبستان و دبستان غیر دولتی مهرولایت م ۱۴

سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹

املاي خلاق (۵)

نام و نام خانوادگی :

پایه : دوم /

تاریخ :

۱- پسر زرنگم برای متن زیر نقطه بگذارد.

روزی بود و روزگاری. مردی بود که گوسفندان زیادی داشت. او آدم درسکاری بود. اما حوایی داشت که از گوسفندهای او نگه داری می کرد و مرد درسکار و راست گویی بود. حوای هر روز سر گوسفندان را می دزدید و به خانه ی صاحب گوسفندها می برد. او هم آب در آن می ریخت و سر را دور می کرد و به مردم می فروخت. حوای هر بار او را بصر می کرد و می گفت: «اس کار درس بست» اما او به حرف های حوای گوس می داد و لحدی می زد و می گفت: «بو حوایی اب را مکن و مرد را مگر!».



۲- دانش آموز من جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کن.

یک روز که، گوسفندان را به برد. باران شدیدی به کرد و سیل به راه افتاد. چوپان برای خود، بالای رفت اما سیل همه ی را با خود برد. چوپان نتوانست بکند. ناچار پیش گوسفندان رفت و گفت: «سیل گوسفندهای تو را برد.» مرد گفت: «من نمی کنم. آخرین همه آب، از کجا آمد؟» چوپان گفت: «..... که می گویند جمع گردد، دریا شود.»